

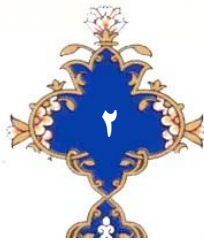
پراحسن آقامیری منحرف است؟



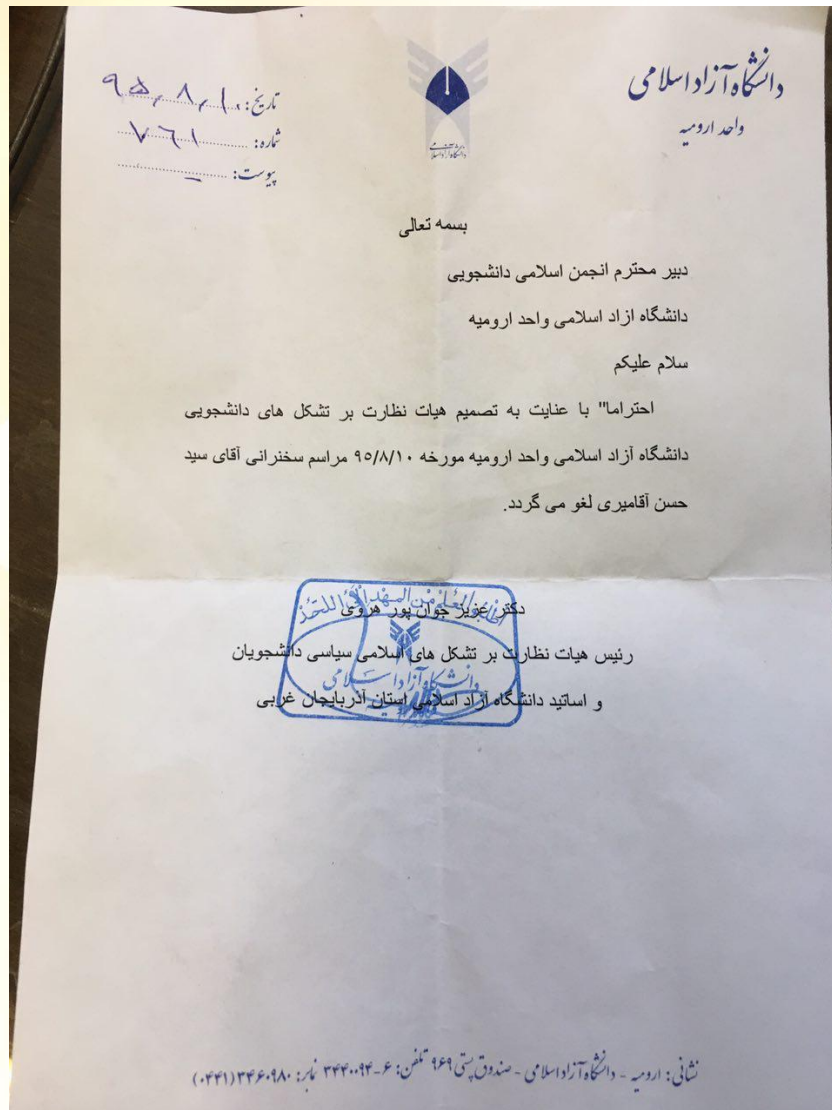
WWW.TVSHIA.COM

فهرست

- ۵..... جمع‌بندی جامعه‌شناسانه او از جامعه ایران:
- ۵..... در اصل او را می‌توان تلفیقی از تمامی انحرافات دانست:
- ۶..... پیشنهاد بنده برای مقابله با ایشان از این قرار می‌باشد:
- ۷..... ۱. او معتقد به عدم حجیت و تحریف قرآن می‌باشد
- ۹..... ۲. او معتقد به عدم امکان استناد به قرآن، برای به دست آوردن احکام و ... است از جمله حکم قصاص، است
- ۱۰..... متن سخنرانی حسن آقامیری در رابطه با تئوریزه کردن عدم حجیت قرآن و انکار قصاص:
- ۱۲..... ۳. تفسیر بی‌جا و غلط از مسأله عذاب و معاد:
- ۱۵..... ۴. نقد دلایل تشکیل حکومت دینی و حتی دروغ بستن به خدا و پیامبر برای غیردینی بودن تشکیل حکومت
- ۱۸..... ۵. انکار جهاد دفاعی در قرآن
- ۱۹..... ۶. زیر سؤال بردن مقدسات مذهبی، مانند جمکران
- ۲۱..... ۷. زیر سؤال بردن مرجعیت و تقلید
- ۲۲..... ویژه نامه مقابله با فتنه سید حسن آقامیری



بعد از دهه اول محرم ۱۳۹۵، یکی از دوستان از تهران با بنده تماس گرفتند و نظر این جانب را در رابطه با صحبت‌های سید حسن آقامیری جويا شدند. بنده بعد از آن، مطالبی را که در فضای مجازی و سی دی فروشی‌های قم بود، تهیه نموده و مشغول بررسی صحبت‌های ایشان شدم. در ضمن، بنده چند جلسه که با فضلا حوزه صحبت داشتم، نتیجه آن جلسات، اتفاق نظر فضلا و دلسوزان انقلاب، مبنی بر انحرافات عقیدتی و سیاسی سید حسن آقامیری می‌باشد. نامبرده، سایتی دارد به نام «بیدارباش» که فیلتر می‌باشد، در دادگاه ویژه روحانیت نیز چند پرونده دارد، ولی نمی‌دانم که در رابطه با چه مطالبی است. طبق اخبار و اسناد به دست آمده منبر ایشان که قرار بود در دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه، برگزار شود، از طرف رئیس هیئت نظارت بر تشکل‌های اسلامی-سیاسی دانشجویان و اساتید دانشگاه آزاد اسلامی استان آذربایجان غربی، در تاریخ ۹۵.۰۸.۱۰ لغو گردید.



در مورد حسن آقامیری، جو، کاملاً دوگانه‌ای در فضای کشور وجود دارد، گروهی او را زبان امام زمان (عج) می‌دانند و گروهی او را بدتر از شمر و یزید می‌دانند، به‌عنوان نمونه می‌توانید به مقاله حجت‌الاسلام طه حجت، که در این آدرس، موجود است مراجعه نمایید:

<http://www.tvshia.com/fa/content/47899>

حسن آقامیری، در رقم منبر می‌رود، ولی دیده‌شده که مخالفان او، بنرهای او را پاره نموده‌اند. به نظر می‌رسد سید حسن آقامیری در پی ایجاد جریانی انحرافی و خطرناک می‌باشد. از طرف چه گروه‌هایی تأمین می‌شود؟ یا نفوذ او تا چه حد بوده است؟ و چگونگی در صداوسیما و دولت نفوذ دارد؟ و اینکه واقعاً او بلندگوی چه گروه و جریانی است؟ سؤالاتی است که از قدرت بنده خارج است، ولی آنچه مشهود است این است که او به دنبال پی‌ریزی گفتمان و جریانی است که با انقلاب و معارف تشیع و حتی با اسلام، مخالف است.

اگرچه سایت او فیلتر می‌باشد اما در شبکه‌های اجتماعی، مانند تلگرام و اینستاگرام (حتی یوتیوب، آپارات و ...) فعالیت چشم‌گیری دارد و گذشته از اینکه خود او فعالیت می‌کند، طرفداران او مباشرت به نشر سخنان او و تبدیل سخنرانی‌های او به فرمت‌های دیگر می‌نمایند.

سخنان او از جذابیت‌های ویژه‌ای برخوردار می‌باشد: میکس بسیار خوب و طرح مباحث روز جامعه و انتقادهایی از سیاسیون و دولت و ایجاد شبهه‌هایی که بعضاً به‌ظاهر وارد می‌باشد. دولت نمی‌تواند کانال تلگرام او را که ۱۰۸ هزار عضو دارد، فیلتر نماید، چراکه شرکت روسی تلگرام دلیلی برای فیلتر نمودن کانال او ندارد.

در ضمن، به نظر می‌رسد که در دولت نیز حامیانی دارد و چه‌بسا جریان اصلاحات نیز پشتیبان او باشد. افراد بسیاری تاکنون با او صحبت کرده‌اند و انحرافات فکری او را گوشزد نموده‌اند ولی او هیچ‌کدام را قبول نکرده است.

اگر سریعاً با شیوه‌ای معقول، با ایشان برخورد نشود، مباحث او تبدیل به قرائت یا فرقه و گروه و یا گفتمان جدیدی می‌شود و دیگر نمی‌توان آن را از بین برد، مانند عرفان حلقه، بهائیت، وهابیت و بسیاری از جریان‌های انحرافی دیگر.

جمع بندی جامعه شناسانه او از جامعه ایران:

به نظر می‌رسد او با جامعه‌شناسی هوشمندانه، به این نتیجه رسیده است که گروه‌هایی که در جامعه ایران زندگی می‌کنند، را می‌توان این گونه تقسیم نمود:

۱. گروه‌های ضد اسلامی
۲. گروه‌های ضد شیعه
۳. گروه‌های ضد رهبر انقلاب
۴. گروه‌های ضدانقلاب
۵. گروه‌های بی‌سواد
۶. گروه‌های کم‌سواد

لذا او با طرح مباحثی در صدد این برمی‌آید که این گروه‌ها را دور خود جمع کند و جمعیت حزب‌الله و بصیر را به کناری افکنده و هیچ توجهی به آنها نمی‌کند:

۱. مباحث "اسلام رحمانی" و اینکه "مسلمانی این نیست، ما مسلمان نیستیم و در اسلام خشونت وجود ندارد، و پیشنهاد ساخت کلیسا و مسجد اهل سنت در قم و زیر سؤال بردن ارتداد و قصاص و مباحث اینکه قرآن تحریف شده است و اینکه همه به بهشت می‌روند....." کاربرد اصلی این مباحث برای گروه‌های ضد اسلام است.
۲. مباحث زیر سؤال بردن امام‌زاده‌ها و مسجد جمکران، شبهات عزاداری و تحریف واقعه کربلا، خوراک جمعیت ضد شیعه و کم‌سواد و بی‌سواد، می‌باشد.
۳. مباحثی که در رابطه علماء مطرح می‌کند و مباحثه غیرمستقیم و نقادانه با رهبر انقلاب مانند اینکه او می‌گوید: «کسانی که می‌گویند قمه‌زنی و هن دین است، نمی‌دانند چاه جمکران و هن دین است، من نمی‌گویم عمد می‌گم نفهمی و....» این چنین مطالبی را برای جذب گروه‌های ضد رهبری و ضدانقلاب، مطرح می‌کند.
۴. انتقادهای ایشان از مباحث اجتماعی درون انقلاب برای جذب افراد ضدانقلاب و سوءاستفاده جریان‌های مخالف انقلاب، گفته می‌شود.

در اصل او را می‌توان تلفیقی از تمامی انحرافات دانست:

۱. اشکالات عقیدتی در مورد خدا، اسماء و صفات خدا.
۲. اشکالات عقیدتی در مورد پیامبران.
۳. اشکالات عقیدتی در مورد اهل بیت (ع).
۴. اشکالات عقیدتی در مورد قیامت.



۵. دروغ بستن به خدا و اهل بیت (ع) و پیامبران و علما.
۶. حجت ندانستن قرآن به دلیل جابجایی آیات و سوره‌ها.
۷. قبول نداشتن حکومت دینی.
۸. مباحثه غیرمستقیم هوشمندان با رهبر انقلاب.
۹. زیر سؤال بردن مبانی تشکیل حکومت.
۱۰. زیر سؤال بردن مرجعیت و تقلید.
۱۱. رواج اباحه گری و کوچک کردن گناه در جامعه.
۱۲. تفسیرهای اشتباه از معارف دینی.
۱۳. زیر سؤال بردن احکام قرآن از جمله قصاص.
۱۴. زیر سؤال بردن حوزه و روش استنباط توسط علما.
۱۵. ایجاد امید بی جا و کوچک و کم جلوه دادن عذاب‌های قیامت.
۱۶. متهم نمودن علما.
۱۷. حمایت از گروه‌های ظالم.
۱۸. زیر سؤال بردن ارتداد از اسلام.
۱۹. زیر سؤال بردن مسجد جمکران.
۲۰. پیشنهاد ساخت کلیسا در قم.

پیشنهاد بنده برای مقابله با ایشان از این قرار می باشد :

- نقد اساسی و علمی و عرفی اندیشه‌های او به صورت کامل، تا جایگاه مردمی خود را از دست دهد و به اصطلاح، ترور شخصیت شود
- اطلاع رسانی به افراد صاحب تریبون تا آنها نیز او را نقد نمایند مانند اساتید دانشگاه: استاد رحیم پور ازغدی، حسن عباسی، رائفی پور، اساتید معارف دانشگاه‌ها. اما نکته قابل تأمل این است که هرچقدر افراد غیر معروف به نقد او پردازند وضعیت بهتر خواهد بود چرا که اگر بزرگی مبادرت به این امر نماید باعث بزرگ شدن آقامیری می شود. تصریح می شود: هرچقدر افراد غیر معروف جواب‌های کوبنده بدهند، وضعیت بهتر خواهد بود، به شرطی که صاحبان رسانه به بُلد کردن نقدها، اقدام نمایند.
- ممنوع المنبر شدن او، البته باید متن شکایت و جلسات به اطلاع مردم برسد تا اینکه کسی از این جریان، سوء استفاده نکند.
- برقراری مناظره و جوابگویی او؛ تا انحراف او در جلوی چشم همگان، ثابت شود.

حال به ذکر چند نمونه از مباحث فکری ایشان می پردازیم. البته این جانب تاکنون تنها ۹۰ مبحث از مباحث ایشان را گوش داده ام مباحث انحرافی بسیاری را کشف نموده ام ولی فرصت تایپ نداشته ام و بسیاری از مباحث دیگری که ایشان مطرح نموده اند مانده است .
دلایل انحرافات فکری و عقیدتی حسن آقامیری :

۱. او معتقد به عدم حجیت و تحریف قرآن می باشد

و علت آن را جابجایی آیات و سوره ها و نبود روایاتی که آیات را تفسیر می کند و نبودشان نزولها، می داند. وی می گوید: حکومت با این قرآن، کار بنی امیه و بنی عباس و داعش است و آنچه هدایت است قرآن حضرت علی (ع) است .
جهان استکبار، از خارج، قرآن را زیر سؤال می برد، و ایشان نیز از داخل، این مطلب را تئوریزه کرده و عدم حجیت قرآن را بر منبر رسول الله (ص) مطرح می کند:



گناه کد امیک سنگیتر است؟

سوره ها و آیات قرآن جابجا شده... روایات پیامبر نیست... شان نزولها نیست...
این قرآن هست که بنی امیه و بنی عباس پانصد سال با آن حکومت کردند، این قرآن هست که در دست داعش است...
لذا نمی توان احکام را از آن استخراج کرد...
قصاص با فطرت نمی سازد... (در این جامعه، بخشش واجب است و قصاص، قتل است.)
حسن آقامیری



تری جونز
قرآن را به خشونت و تروریسم متهم کرد.
قرآن را دادگاه و محاکمه کرد.
قرآن را آتش زد و روز ۱۱ سپتامبر
را "روز سوزاندن قرآن" نامگذاری کرد.

TVShia.com



و هایت سالهاست که شیعیان را به جرم اینکه "شیعیان این قرآن را قبول ندارند" به شهادت می‌رسانند و در درون شیعه، شخصی با اسم شیعه، همان تهمت را قوی و مستند می‌کند:

۲: انکار حجیت قرآن

انحرافات حسن آقامیری

سالهاست که وهابیت، شیعیان را از اسلام خارج می‌داند و می‌گوید: شیعیان به این قرآن فعلی، اعتقادی ندارند و قائلند که این قرآن تحریف شده.

از طرف دیگر، دنیای استکبار نیز سالها، به دلایلی از جمله قصاص، اسلام را متهم به پایمالی حقوق بشر می‌کند.

حسن آقامیری در یادگست "قصاص" رسماً اعلام می‌کند که: چون نظم آیات بهم خورده و روایات و شان نزولها در دست نیست، لذا نمی‌توانیم برای این زمان، حکم قصاص را از این قرآن، استنباط کنیم.

او همچنین در مخالفت صریح با قرآن می‌گوید: "عفو و بخشیدن، حیات جامعه است، نه قصاص".

در حالی که قرآن می‌گوید: **لکم فی القصاص حیاة** (بقره-۱۷۹)

این حرفهای آقامیری، برخلاف اعتقادات شیعیان، بلکه مسلمانان است و ایشان در پی تنویزه کردن "عدم حجیت قرآن" می‌باشد.

ما رسماً اعلام می‌کنیم که حرفهای حسن آقامیری برخلاف اعتقادات شیعیان و به پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) هیچ ربطی ندارد.



مخالفت صریح حسن آقامیری با قرآن



خدا قرآن رو چطور نازل کرده؟ رو کم کنه: اگر از یاد خدا غافل بشی زندگی تنگ میشه، بی خدا باشی هیچ غلطی نمیتونی بکنی، برو بدبخت برو... "خدا با بنده هاش اینطوری صحبت میکنه؟ این قشنگه؟ خوشتون میاد از یه همچین خدایی؟ خدایی که آتیش درست کرده دمیده داغش کرده تو رو بندازه توش، قشنگه؟ میشه دوستش داشت؟ میشه عاشقش شد؟ میشه باهاش رفیق شد؟ با کس که ازش میترسی، رفاقت میشه کرد؟

مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿١٢٤﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسَيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى ﴿١٢٦﴾

و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ - و سخت - خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می‌کنیم. می‌گوید: «پروردگارا، چرا مرا نابینا محسوس کردی با آنکه بینا بودم؟» می‌فرماید: «همان طوری که نشانه‌های ما بر تو آمد و تو را به فراموشی سپردی، امروز همان گونه فراموش می‌شوی.»

جناب آقامیری! این قرآن کلام خداست یا خیر؟ کلام شما مخالفت صریح با قرآن هست یا خیر؟

tvshia.com

www.tvshia.com

او در سخنرانی دیگری، رسماً در مقابل قرآن جبهه گیری نموده و می‌گوید:

خدا قرآن را چطور نازل کرده، رو کم کنی؟ «اگر از یاد خدا غافل بشی زندگی تنگ میشه، بی خدا باشی هیچ غلطی نمیتونی بکنی، برو بدبخت برو» آیا خدا با بنده هاش اینطوری صحبت میکنه؟ این قشنگه؟ خوشتون میاد از یه همچین خدایی؟ خدایی که آتیش درست کرده، دمیده داغش کرده، تا تو رو بندازه توش، قشنگه؟ میشه دوستش داشت؟ میشه عاشقش شد؟ میشه باهاش رفیق شد؟ با کسی که ازش میترسی، رفاقت میشه کرد؟



۲. او معتقد به عدم امکان استناد به قرآن، برای به دست آوردن احکام و ... است از جمله حکم قصاص، است

او در سخنرانی خود می گوید:

قصاص با فطرت نمی سازه، همه میگن (قصاص) نکنیم؛ چون این نسخه مال تو نیست. (این نسخه برای زمان پیامبر بوده، نه الان)... تو این جامعه، بخشش واجبه.

قصاص با فطرت نمی سازه، همه میگن (قصاص) نکنیم؛ چون این نسخه مال تو نیست. (این نسخه برای زمان پیامبر بوده، نه الان)... تو این جامعه، بخشش واجبه.



انکار حکم قطعی قرآن
توسط حسن آقامیری



غلامرضا خوش رو، معروف به "خشاش شب" از معروف ترین قاتلان زنجیره ای ایران بود. وی قتل های زنجیره ای خود را که همراه با سرعت و تجاوز جنسی بود از سال ۱۳۷۱ در تهران آغاز کرد. در سال ۱۳۷۶ دستگیر و به اتهام ۹ قتل، اعدام شد.

- ۱: آیا حرف شما، انکار حکم قرآن نیست؟
- ۲: آیا این، حمایت از قاتلان نمی باشد؟
- ۳: به نظر شما منشا باید باخفاش شب (غلامرضا خوش رو) که در تهران، آنهمه آدم کشت، چکار می کردند؟ آیا باید او را به بخشیدند تا دوباره به فساد و قتل های زنجیره ای خود ادامه دهد؟



این در حالی است که سال هاست نظام سلطه، ما را محکوم به پایمال کردن حقوق بشر می کند؛ که در ابتدای انقلاب نیز، این توطئه توسط حضرت امام (ره) خاموش گردید:

سوره ها و آیات قرآن جابجا شده... روایات پیامبر نیست... شان نزولها نیست... این قرآن هست که بنی امیه و بنی عباس با قصد سال با آن حکومت کردند؛ این قرآن هست که در دست داعش است...

لذا نمی توان احکام (از جمله، قصاص) را از آن استخراج کرد... قصاص با فطرت نمی سازد... (تو این جامعه، بخشش واجب است و قصاص، قتل است.)

حسن آقامیری

این حکم (حکم قصاص) که در قرآن کریم (آمده) و ضروری بین همه مسلمین است...

جدا کنید، حساب خودتان را از مرتد ها؛ اینها منکران حکم قصاص مرتدند...

صبح ۲۵ خرداد ۱۳۶۰
اخطار شدید به مخالفان لایحه قصاص

ای عاقلان، حکم قصاص برای حفظ حیات شماست، تا مگر (قتل یکدیگر) بپرهیزید.
بقره (۱۷۹)

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَاۤ اُولِي الۡاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ

TVShia.com

متن سخنرانی حسن آقامیری در رابطه با تئوریزه کردن عدم حجیت قرآن و انکار قصاص:

«تو قاتل نشو تو تخته از زیر پای کسی نکش در جامعه بخشش حیات».

آمدند بعد از پیامبر چی کار کردند؟ نظم این قرآن را بهم زدند، یعنی ما نمی‌دانیم قرآن از کجا شروع کرده است، کجا ختم کرده است، نمی‌دانیم نسخه‌ی اول چیست؟ نسخه‌ی دوم چیست نسخه‌ی سوم چیست نسخه‌ی چهارم چیست؟ اینها را نمی‌دانیم. در همه بیماری‌هایی که جامعه با آن طرف بوده است، بعضی وقتها پیامبر سه تا نسخه داده است که طول هر کدامشان مثلاً ۴-۵ سال بوده است تا توانسته یک بیماری را از بین ببرد ولی ما نمی‌دانیم این کجاست از کجا شروع شده است، شماره بندی صفحات از بین رفته است توضیحات پیامبر هم کلاً محو شده است، تا حدود ۱۵۰ سال اصلاً کتابت ممنوع بوده است، منع قانونی داشته است، یعنی گفتند هیچ کس حق ندارد حدیث بنویسد، همین کتاب قرآن فقط. توضیحات پیامبر از بین رفته است، شأن نزول‌ها هم از بین رفته است گفت لکل مقال مقام، هر صحبتی جایی دارد اگر صحبت را در جای خودش ندانیم اصلاً نمی‌توانیم بفهمیم، فهم نمی‌شود.

بابا یک قرآنی درست شده است این قرآنی که دست ماست، بنی امیه و بنی عباس پانصد سال با این حکومت کردند، آن قرآنی که حضرت امیر جمع کرد، که به درد کسی نمی‌خورد، چون نمی‌شد با آن لفت و لیس کنی، نمی‌شد با آن از گرده‌ی مردم بار بکشی، **نمی‌شد هوی و هوس را باهاش خالی کنی**، آن قرآن واقعا به درد کسی غیر علی نمی‌خورد و کسی که می‌خواهد راه علی را برود. آن قرآن که نمی‌شود ازش سوءاستفاه کرد، برای همین گفتند: ما آن را نمی‌خواهیم. برداشتیم نظم آیات را بهم زدیم، شماره صفحه‌ها را هم پاک کردیم، شماره نسخه‌ها را هم پاک کردیم، نمی‌دانیم مرحله‌ی چندم است.

می‌گوید: «و فی القصاص حیاة» خب راست می‌گوید «و فی القصاص حیاة» کی؟ کجا؟ در کدام جامعه؟ در جامعه‌ای که صد تا را بجای یک نفر می‌کشند، قصاص حیات است؟ دیگر نود و نه تا زنده می‌مانند در جامعه‌ای که اگر یکی در قبیله‌ی ما یک کسی از قبیله مقابل را می‌کشت دیگر دختر من امنیت نداشت، زن من امنیت نداشت، مادر من امنیت نداشت، بابای من امنیت نداشت، ما یک حکمی گذاشتیم که گفتیم فقط آنی که کشت را شما می‌توانید ازش قصاص کنید و اگر این داداش قاتلتان را ببخشید آقایی کردید این هم باید با شما مدارا کند خب برای ما حیات است راست می‌گوید «و فی القصاص حیاة» ولی برای کدام جامعه؟

بینید خیلی بد است که ما درس‌هایی که در قرآن هست را اصلاً بهش توجه نکردیم، درس‌هایی که حضرت آدم به ما داده است می‌فرماید و اتل علیهم نبا ابنی آدم بالحق، داستان بچه‌های آدم را برایشان بگو هنگامی که هر کدام کاری برای تقرب به پروردگار انجام دادند اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد، برادری که عملش مردود شده بود به برادر دیگر گفت به خدا سوگند تو را خواهم کشت برادر دیگر گفت من چه گناهی دارم زیرا خدا تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد.



اگر تو دستت را دراز بکنی برای اینکه مرا بکشی ما انا بیاسطایدی الیک، من دست دراز نمی کنم برای کشتن تو، چرا که من نمی خواهم قاتل بشوم. آقا جان تو از خودت می خواهی یک قاتل درست کنی درست کن، من از خودم قاتل درست نمی کنم.

من حیا می کنم از خدا، من خوف خدا را دارم، خوف مقام عشق است، یعنی من عاشقش هستم جلوی خدا من هر کاری نمی کنم، تو هم مخلوق خدا هستی، من می دانم خدا چقدر تو را دوست دارد من نمی خواهم تو را بکشم.

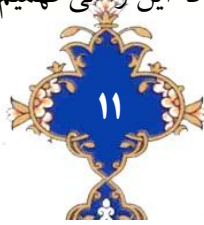
(دروغ بستن به علامه برای اثبات مدعای خود)

حاج آقا خود قرآن گفته است، عزیزم این را کجا گفته است؟ علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می گوید قصاص، حیات است. برای جامعه ی منحنط برای جامعه ای که کفران نعمت می کند برای آن جامعه که در مقابل یک نفر صد نفر را می کشد حیات است اما جامعه ای که با مکارم اخلاق رشد کرده است قطعاً در آن جامعه باید بخشید، فقط باید بخشید، چرا؟ چون تو قاتل نشو، هابیل به قایل گفت من قاتل بشو نیستم ولو تو مرا بکشی من قاتل نخواهم شد من نمی خواهم قاتل باشم

فقط باید بخشید، بخشیدن بهتر است برای جامعه ی منحنط، علامه طباطبایی المیزان می گوید تو جامعه ی منحنط، جامعه ای که کف درّه است، برای یک نفر صد نفر را می کشد در آن جامعه قصاص حیات است، جامعه ای که پای روضه ی امام حسین بزرگ شده است امام حسینی که حر زبان باز نکرده است، حر را بخشیده است، جامعه ای که پای این حسین گریه کرده است، در این جامعه که قصاص حیات است، خب تو می شوی قاتل که در این جامعه بخشش حیات است، بخشش واجب است، بخشش قصاص است.

آن نسخه ای که پیغمبر داد مال جامعه ای داد که قاتل بودند، مال آنهایی که صد تا را می کشتند، نه برای خودش، می گویم: بابا قرآن است، ولی این آیه مال کجا آمده است؟ مال کدام جامعه؟ کدام مرحله است؟ از وسط داستان یک چیزی را گرفتیم یک نسخه ای از وسط این برگه ها برداشتیم بدون شماره صفحه بدون اینکه در مرحله چند است. بعد می گویم: آقا آیه قرآن است دیگر. خب آیه قرآن توضیح دارد، آیه قرآن تفسیر دارد، آیه قرآن شأن نزول دارد، آیه قرآن توضیح پیامبر باهش است، اگر نباشد چی؟ نباشد نمی توانیم بگوییم حکم خداست، باید احتیاط کنی، نمی توانی عمل کنی بهش، این نسخه مال تو نبوده، که تویی که صحیفه سجاده داری، توئی که ابو حمزه ثمالی می خوانی، توئی که کمیل می خوانی، نمی توانی این جواری باشی تو، توئی که پای سفره ی نهج البلاغه هستی، این حکم مال تو نیست، ولی چون بهم زدیم داستان قرآن را، معلوم نیست، فکر می کنیم مخاطب این آیه توئی، مخاطب تو نیستی، نمی توانی این جواری باشی

چون توضیحات پیامبر نیست، چون نظمش بهم خورده است، چون از اهل بیت جدا شده است، شده ابزار دست داعش، که به اسم این آدم بکشد، خب ما که این را می فهمیم، چرا ما که می دانیم، چرا ما که حدیث ثقلین را



قبول داریم، چرا ما که دسترسی به نهج البلاغه داریم، چرا ما که دسترسی به ادعیه ی موصوله از اهل بیت داریم، چرا ما که صحیفه سجادیه داریم؟ چرا؟ ما چرا دیگر؟

مگر قصاص نیست، خب نمی سازد با فطرت، همه می گویند: نکنیم این کار را. چون این نسخه مال توئی نیست که روضه خوان امام حسین هستی، توئی که گریه کن امام حسین هستی، توئی که پای سفره ی علی اکبر بزرگ شدی، توئی که تو حرم ابوالفضلت مسیحی شفا می گیری، یهودی شفا می گیری، سنی شفا می گیری، ناصبی شفا می گیری، تو نمی توانی این مدلی باشی، خب چرا با فطرت ما نمی سازد؟ خب بابا ما بچه ی روضه هستیم، بچه ی گریه هستیم، امام حسین، شمر روی سینه ش نشسته بود با چکمه، امام حسین بهش می گوید به مادرم فاطمه شفاعت می کنم، پاشو برو، نمی گوید دستت خشک شود، خانم زینب آن بابا نفرینش نمی کند.

از خانم حضرت زینب خاستم گفتم یا حضرت زینب خیلی سخت است یا حضرت زینب آن قدر به من توان بده آن قدر به من قدرت بده که الان بتوانم، بخاطر بودن خودت، بخاطر بزرگی خودت، که صبر بمن عطا کردی، من از این جوان بگذرم، گذشتم، خیلی سخت است

سوره وضعیه تو مملکت ما (۱)



این چه وضعیه تو مملکت ما؟ به خدا درست کردن وایساده آدمارو آویزون کنه بسوزونه، اینا چرندیاته بهتون میگن، به مشیت دری وریه دارن بهتون میگن، کی میاد خدا تو رو بسوزونه؟ برای چی تو رو بسوزونه؟ مگه میدونی قیمت تو چقدره؟ اونقدر قیمت داری که تو نماز نشسته اش زینب، اونایی که سنگ میزدن رو دعا میکرد، اونیه که به سر حسین سنگ میزنه اون انقدر می ارزه برگده که زینب داره دعاش میکنه

آقای آقامیری! مگه تو بتیه مملکتا، خدای اونا، همدرو بهشت میری؟
**تو بتیه مملکتا اذیان هم همین...
 هرگز میشه دین می کنه: اگر من ایمان نیاری
 اهل جهنم.
 خدای اونا نمی سوزونه؟ مسیحیان که اعتقاد دارن
 حتر چه یاروزه که تازه بدنیار و دادا که
 بمیره و غسل تعمید کرده باشه اهل جهنم.
 آیا ما می بینیم که او ما بر سره، جات تو
 بهشت؟
 آیا هر دینا می کن: همه بهشت میروند؟ اصلا
 بهر دینا که شیر بهر دینا رو انسان
 نمیداروند. منظور شما از مملکت ما چیه؟**

tvshia.com

www.tvshia.com

۳. تفسیر بی جا و غلط از مساله عذاب و معاد:

او معتقد است که همه انسانها به بهشت میروند، و عذابهای طولانی، با رحمت خدا سازگاری ندارد و اگر اینگونه باشد، خدا بدتر از داعش است و هر که خدا را اینگونه معرفی میکند رفتاری مانند داعش خواهد داشت و داعش نسبت به چنین خدایی، خیلی آدمهای خوبی هستند.

اثرات مخرب این فکر :



بهشت رفتن کار سخته نیست.
واقعیتش این است که راه ما، مقصد ما همان جاست.
بلاخره همه میروند آنجا (بهشت).

مخالفت صریح اقامیری با قرآن



مطلب و مخالفت صریح این مطلب با اسلام آنقدر واضح است که احتیاج به استدلال ندارد. این حرف، من را یاد بعضی از عرفای هندی میاندازد که در آدابهای فریب داری، همزمان با هر عقیده ای، حق بر داندند و قائلند حق یکی نیست، بلکه به بقا تمام افراد، حق وجود دارد. آقای اقامیری ای روح خردمند! با خداوند! قاتل امام حسین و کسانیکه را در آسیر گرفتند هم به بهشت میروند؟ دغش ها که هر روز این جنایات را می کنند هم به بهشت میروند؟ اگر قرار هست همه به بهشت بروند، چرا اسلام را با شیطان پرست می شویم، تا هم در دنیا لذت ببریم و در آخرت هم کینه بهشت ببریم. حرف شما را قبول کنیم یا حرف خدا؟

خدا ذات بسیار دیربرد همیشگی بودن عذاب برای بعضی از اهل جهنم صحبت میکند. از جمله در سوره بقره، آیه ۶۱-۶۲ که میفرماید: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَرَاءَ أُولَئِكَ عَذَابُهُمْ تَعَذُّبًا وَاللَّهُ وَالْعَزَائِبُ وَالنَّارُ الْأَخْيَرُ (۱۱۳) خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۱۱۴) کسانیکه کافر شدند و در حال کفر مردند لعنت خدا و فرشتگان و عمل مردم بر آنان باد (۱۱۴) آنها در جهنم جاودانه هستند، نه عذابشان کاسته گردد و نه مهلت یابند (۱۱۴)

چرا بالمبای اسلام، حرفهای دشمنان اسلام را میزنید؟

www.tvshia.com

- عادی سازی هر گناهی در جامعه او در یکی از سخنرانی های خود با کوچک کردن گناه بی حسابی می گوید :
- کسی که دو تا از تار مویش را بیرون گذاشته است، در

قیامت او را چقدر عذاب میکنند؟ الی آخر...

حسن اقامیری برای اثبات این مطلب از هیچ دروغ و عوام فریبی، دست بردار نیست، او برای نفی عذاب های سخت در جهنم، به مطلبی عجیب استناد می کند: او می گوید ما از قرآن دور شده ایم و قرآن را نمی فهمیم چرا که سوره الرحمن که سوره عروسی است، را در عزاها می خوانیم در حالی که سوره عروسی را باید در عروسی ها خواند:

زندگ تفسیر منظره با اقامیری

استدلالهای عقلی و فیلسوفانه اقامیری، بوعلى سینا و شیخ سهروردی و ارسطو را حیرت زده کرده است

استدلال اقامیری برای نفی عذابهای سنگین قیامت این است که ما قرآن را نفهمیدیم و بعد میگوید چرا سوره عروسی را در عزا میخوانیم

اقامیری: تو دنیا گناه کنه کار (شرابخور) رو با هشتاد ضربه شلاق میبخشه، اونجا (قیامت) میخواد هشتاد سال بارون بگره داری؟ آخه این یعنی چه؟ اینابهم نمیخوره قابل توجه نیست، داستان چیز دیگه ای است، علت این کج فهمی چه؟

ما از طریق اهل بیت سراغ قرآن نرفتیم، مثال میزنم براتون آقایون! اهل بیت فرمودند: قلب قرآن چیست؟ سوره یس، عروس قرآن (چیه)؟ یسور الرحمن، الرحمن عروس قرآن است پس چرا تو ختم هام میخونیم؟ ما عروس قرآن را چرا خرج ختم هامون میکنیم؟ مگه نمیکه عروس قرآنه پس چرا تو ختم میخونیم؟ الان یک نوع عروسه، الرحمن بخونه چه میشه... ما اینقدر دوریم از اساس... که عروس قرآن را در عزا هامون میخونیم.

سوال: آقای اقامیری شما که قرآن را خوب فهمیدید، تو عروسها، سوره الرحمن میخونید؟

با استدلال شما لابد تواتق جراحه قلب باید سوره یس خونند چون یس قلب قرآنه

لابد توی نونوایه ها باید نون والقلم خونند چون توی سوره نون داره. لابد سوره طلاق جاش توی مجلس طلاق است..

سوره بقره به درد کجا میخوره؟

در جواب کسی که فهمش اینقدر است جملوری باید جواب داد؟

لذا این جواب مخصوص آقای اقامیری: آقای اقامیری در ختمها، عروس قرآن را میخوانند چون واقعا شب عروسی اون مومنه که از دنیا رفته است، مه باشد؛ داره عروسه میکنه با ما لکنه اما در عروسه های دنیا یه سوره الرحمن را که عروس قرآن است نمیخوانند چون کله مشکلات شروع شده برای این داماد...

ولی جواب درست: سوره الرحمن سوره رحمت است در ختم خوانده میشوده که تمام عذابها از روح رفع شود و در تمام رحمتهای الهی غوطه ور شود

این حرفهای شما را یاد کاظمین بروجردی میاندازه که به نانوایان گفته بود: برای کسب و کار تون این ایه قرآن را بنویسید: نون

با تحقیق در مبانی فکری او متوجه می شویم ، که اگر کسی در جواب، آیات قرآن را برای او بیان کند او آن را قبول نخواهد نمود، چراکه قرآن را قبول ندارد و این قرآن را هادی نمی داند چراکه این قرآن توسط بنی امیه و بنی عباس تنظیم شده است و تنها قرآن حضرت علی ع هادی می باشد .

او برای اثبات مدعای خود (انکار عذاب های سخت در جهنم) از دروغ بستن به اهل بیت و حضرت زینب هم خودداری نمی کند، و بارها در سخنرانی ها گفته که امام حسین دشمنان خود را دعا می کرده و حتی برای شهدا گریه نکرد، ولی برای شمر گریه کرد. وی حتی در مورد حضرت زینب می گوید زینب کبری نیز برای دشمنان حسین و سنگ اندازان به سر امام حسین، نفرین نکرد بلکه دعا می کرد:



چرا زینب کبری نفرین نکرد اینها؟ نمی بینست؟ مستجاب الدعوه نبود؟ حضرت زینب نماز شب میخواند، کوفیان و نفرین میکرد یا دعا میکرد؟ اینها سنگ میزدند زینب و زینب شب میبستت سر سجاده دعا میکرد... ایته اسلام، ایته قرآن، ایته دین...



جناب آقای آقامیری چرا از توجیه حرف میزنید؟ کی مطالعه کن؟ چرا ی دروغ میگردد صدقات نتیجه دروغ و شتاب از دروغ که ساخته میگردد؟ لایق حضرت زینب دعا کرد قتالای باجبدالله (شمر روئید) ببن بهشت؟ لایق توی بهشت نسوی شما نمیرویید و تمام ظالمین عالم جمعند؟ این یک نمونه از دهها نمونه نفرین حضرت زینب:

زینب (س) پس از سخنرانی و در حضور جمع در مجلس یزید، چنین گفت:

للهم خذ بقضه خلدوندا، حق ما از ایشان بگیر، و انتقم من ظالمنا: انتقام ما از کسانی که در حق ما ستم کردند بگیر، و احلیل غضبک علم من سفکة دمانا و نفض نمازنا و قتل خملنا، و هتکة عناننا و لونا، و خشم و غضبت را بر آن که خون ما را ریختند، نازل فرما، و آن که آب روی ما را ریختند و حایمان ما را کشتند، آنها را غضب فرما و آن که پرده حرمت ما را پاره کردند، به خشم و غضب خود گرفتار فرما. الاحتجاج: ۳۷-۳۴/۲

خطبه حضرت در جمع اهل کوفه:

ای مردم کوفه، ای مردمان حیل که روخیانت کار!! گریه می کنید؟؟ اشک چشمانتان خشک نشود و ناله هایتان آرام نگردد. چه بد توشه ای برای آخرت فرستاده اید، توشه ای که همان خشم و سخط خداست و در عذاب جاویدان خواهید بود. چه بار سنگین و بیای بردوش خود نهاده اید، پس رحمت خدا را از شما دور دور تر یاد. که تالاشتان بی بوده، دستانتان بریده، معامله تان قرین زبان گردیده است، خود را به خشم خدا گرفتار نموده و بدین ترتیب خواری و درماندگی بر شما لازم آمده است. آیا از اینکه آسمان خون باریده تعجب می کنید؟ در حالی که عذاب آخرت در مقایسه با این امر بسیار شدید تر و خوارکننده تر است و در آن روز کسی به یاری شما نخواهد آمد. (این خطبه، متواتر است و در اکثر کتب مقاتل ذکر شده)

این متن زیارت عاشورا (که بنا بر نظر علما حدیث قدسی است):

لَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَشْمَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرَ عَلَيَّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ لَعَنَ اللهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَابِلِكُمْ وَ أَرَاكَكُمْ عَنْ مَوَاتِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللهُ فِيهَا وَ لَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ . وَ لَعَنَ اللهُ الْمُؤْمِدِينَ لَهْمُ بِالْمُكْمِنِ مِنْ قَتَائِكُمْ وَ لَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ بِقَتَالِكِ

اگر به شما امر جدید نازل شده، که خبر دیدید؟ که ما اثبات خواهیم کرد شما خود را صاحب دعوت جدید میدانید و هم اکنون در پی مقدمات آن هستید....

دروغ بستن آقامیری به حضرت زینب

و تحریف عاشورا

عَلَيْكُمْ يَا قُرَآئِنَ

اقام ، اقام ، اقام

در حقیقت او را می توان احیاگر تفکرات مُرجئه - که به قول اهل بیت (ع) ، بدتر از خوارج هستند - دانست :

انحرافات حسن آقامیری

۱: مُرجئه شیعه

کم یا زیاد کردن و کوچک یا بزرگ کردن قسمت از دین، یکی از انحرافات جدی ادیان است.

در صدر اسلام جریان به وجود آمد به نام **مُرجئه**، که با امید دادن به جا، در میان مردم شبهه افکنی می نمودند، مردم را جرأت به گناه می دادند و بر این باور بودند که ما از عقیده باطنی کسی خبر نداریم لذا قضاوتی انجام نمی دادند و در نتیجه فکر و عمل جامعه، فاسد شد.

اهلبیت، **فتنه مُرجئه** را از خوارج، عمیق تر دانسته اند و آنان را تاقیامت، شریک در ریخته شدن خون خود دانسته اند. چرا که مُرجئه، دشمنان اهلبیت را تطهیر می کرد.

حسن آقامیری می گوید: زینب کبری، کسانی که به سر حسین (ع) سنگ میزدند، را دعاهم کرد.

حقیقت این است که فتنه حسن آقامیری برای شیعه، از فتنه مرجئه برای اسلام، سنگین تر و شدیدتر است.

۴. نقد دلایل تشکیل حکومت دینی و حتی دروغ بستن به خدا و پیامبر برای غیر دینی بودن تشکیل حکومت

امروز یکی از ادله تشکیل حکومت اسلامی قیام اباعبدالله علیه السلام است: بلندگوهای داخلی و خارجی هماهنگ سعی می کنند بگویند امام حسین دنبال تشکیل حکومت نبود، الهیاری در سخنرانی می گوید امام حسین رعیت یزید بود و اصلاً قیام نکرد همین حرف را طرفداران مدعی مهدویت احمد الحسن الیمانی می زنند و آقای آقامیری هم در داخل هماهنگ همین حرف را میزند که امام حسین ع دنبال تشکیل حکومت نبود، قیام اباعبدالله یکی مهم ترین دلایل تشکیل حکومت است، ما حاصل کتاب ۲۵۰ ساله رهبر انقلاب این است که تمام اهل بیت به دنبال تشکیل حکومت بودند، من نمی دانم آقای آقامیری که این دلیل مهم را رد می کند آیا اصلاً تشکیل حکومت توسط غیر اهل بیت قبول دارد یا خیر؟ آیا انتقادهای بعضاً درست ایشان از اموری که در امر حکومت ایراد می کند به اصل نظام برمی گردد و یا برای اصلاح است؟ این دو خیلی باهم فرق دارد.

رهبر انقلاب: دوست دارند چنین بگویند که حضرت خواست حکومت فاسد یزید را کنار بزند و خود یک حکومت، تشکیل دهد. این هدف قیام ابی عبدالله علیه السلام بود. این حرف، نیمه درست است؛ نمی گویم غلط است

مکارم: به هر حال، با توجه به شواهد تاریخی یکی از اهداف قیام امام حسین (علیه السلام) تشکیل حکومت اسلامی و در واقع بازگرداندن خلافت اسلامی به جایگاه اصلی خویش بود:

یک کلام باطل از ۳ دهان: آقامیری، ابراهیم یاری، جنبش الیمانی

همه فکر می کردند داره می ره کوفتا حکومت تشکیل بده، دنبال تنها چیزی که نمی رفت، حکومت بود. آقا کاری نداشت با جامعه، حضرت موسی رفت سراغ فرعون، رفت که فرعون رو بکشد پایین، خودش بشینه جای فرعون. اصلایک بار هم نگفت که: فرعون تو حق حکومت نداری...

دوست دارند چنین بگویند که حضرت خواست حکومت فاسد بیزید را کنار بزند و خود یک حکومت، تشکیل دهد. این هدف قیام ابی عبدالله علیه السلام بود. این حرف، نیمه درست است؛ نمی گویم غلط است

به هر حال، باتوجه به شواهد تاریخی یک از اهداف قیام امام حسین (علیه السلام) تشکیل حکومت اسلامه و در واقع بازگرداندن خلافت اسلامه به جایگاه اصله خویش بود.

یک از ادله تشکیل حکومت اسلامه، قیام ابی عبدالله علیه السلام است: بلند گوهای داخله و خارجه هماهنگ سعه میکنند بگویند امام حسین دنبال تشکیل حکومت نبود، الله یاری در سخنرانی میگوید: امام حسین رعیت یزید بود و اصلا قیام نکرد. همین حرف را طرفداران مدعای مهدویت دروغین یعنی احمد الحسن الیمانی میزنند و آقای آقامیری هم در داخل، هماهنگ همین حرف را میزند که: امام حسین ع دنبال تشکیل حکومت نبود. در حالیکه قیام ابی عبدالله یک از مهمترین دلایل تشکیل حکومت است، ما حاصل کتاب "انسان ۲۵۰ ساله" رهبرانقلاب این است که تمام اهل بیت به دنبال تشکیل حکومت اسلامه بودند، من نمیدانم آقای آقامیری که این دلیل مهم را رد میکند آیا اصلا تشکیل حکومت اسلامه توسط غیر اهل بیت را قبول دارد یا خیر؟ آیا انتقادهای بعضی از دست ایشان از اموری که در امر حکومت ایراد میکند به اصل نظام بر میگرود و یا برای اصلاح است؟ این دو خیل با هم فرق دارد.

او حتی با دروغ بستن به خدا و پیامبر وانمود می کند که انبیاء نیز از تشکیل حکومت پرهیز داشته اند :

<p>جبرئیل او مد (به ابراهیم) گفت خدا اسلام ات رسوند، از تو قبول کردیم، میخوای همین الان حکومت رو تشکیل بدی یا نه؟ همین الان حضرت فرمود: نه، تا آخرش میخوام برم؛ چون او مده دستگیری کنه.</p>	<p>آقای آقامیری چرا به خدا و حضرت ابراهیم دروغ می بندی؟ این مطلبه که شما نقل کردید در کدام کتاب آمده؟</p> <p>علی امریکو</p>
---	---

تمام انبیاء در پی تشکیل حکومت بوده اند و هر گاه توانسته اند، حکومت تشکیل داده اند:

آیا حضرت موسی حکومت تشکیل نداد؟
 آیا حضرت سلیمان حکومت تشکیل نداد؟
 آیا پیامبر اسلام حکومت تشکیل نداد؟
 آیا امام علی ع حکومت را درست نگرفت؟
 آیا امام حسن ع حکومت را درست نگرفت؟
 آیا امام زمان (عج) حکومت تشکیل نمیده؟
 آیا ابراهیم به خلاف سنت انبیاء عمل کرد؟
 اگر عبد صالحه بتواند حکومت تشکیل دهد و مسیر اجتماع را به سمت خدا ببرد آیا عاقلانه است این کار را نکند و حکومت را به دست غیر اهلش بسپارد؟
 مگر آیه قرآن نمیده فرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ حديد ۲۵

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانه) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

مگر قسط و عدالت، بدون تشکیل حکومت، ممکن است؟ آیا مومننه هست که ولایت و حکومت غیر مومن را قبول کند؟ این حرفهای شما، من را به یاد شبکه های متصل به نظام سلطه می اندازد؛ من را به یاد الله یاری و جنبش الیمانی می اندازد؛ من را به یاد آن گروه می اندازد که امام (ره) در مورد آنها فرمود:

خون دله که پدر پیرتان از این دسته (روحانیون) متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختیهای دیگران نخورده

او در سخنرانی هایش این گونه به مخاطب تلقین می کند که هر حکومتی غیر از حکومت معصومین، حکومت ظلم می باشد :

انگاره به هیچ کس تو این مملکت ارادت ندارم



الحمد لله به هیچ کس تو این مملکت ارادت ندارم، هیچ ارادت نداریم، چون میبینیم ۴۰ هزار شهید دادیم اما مسیری نیست که باید برویم.

در نقشی راهی که امروز بیان و ترسیم شد، امام (ره) در هم می شاخص هادریالاترین سطح قرار داد و باید به عنوان یک الگوی کامل مورد توجه و اهتمام قرار گیرد. ۱۳۹۵/۰۳/۱۴



اگر با فرهنگ عالی بزرگ نشیم داریم با فرهنگ معاویه بزرگ میشیم؛ عالی رو مردم ول کردن مریشون شده که؟ فقط معصوم الگوست، غیر معصوم نمیتونه الگو باشه آیه الله العظمی که باشه، الگو نیست. الگو امام معصومه، معلم امام معصومه.

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ (ممتحنه، ۴) ابراهیم و هر که با ابراهیم بود الگو است. سوال: اهل بیت و کسانی که با اهل بیت بودند برای بقیه الگو هستند یا نیستند؟ آیا حضرت عباس (ع)، حضرت علی اکبر (ع)، حضرت زینب (س) الگو نیستند؟ حضرت امام (ره) الگو نیست؟ آقای اقامیری الفبای معارف تشیع رو هم نمیدونه. فقط خوب حرف میزنه، خوب حرف زدن غیر از حرف خوب زدن، مثل غذای فاسد و مسموم که خوش مزه و خوش رنگه، ولی... جریان سید حسن اقامیری ورژن داخله الهیاری، یاسر الحیب و جریان الیمانیه است.



۵. انکار جهاد دفاعی در قرآن

حسن آقامیری در ادامه تفکرات ضد اسلامی خود، در پادکست "قصاص" این مطلب را بیان می کند که: اگر کسی خواست تو را بکشد، درس قرآن این است که تو حق دفاع نداری، چراکه ممکن است در این دفاع، طرف را بکشی و قاتل شوی. وی در مغالطه ای به جریان دفاع نکردن هابیل در برابر قابیل، استناد می کند. او با همین مبنای فکری، در سخنرانی دیگری، گروه های مقابل داعش را بدتر از خود داعش می داند و می گوید: «یه گروهی درست می شه به اسم داعش و روبروش هم بدتر از اونها، هیچ تفاوتی هم نداره... کسی که حق دفاع را حرام بداند، حتما مدافعان حرم را مجاهد نمی داند بلکه قاتل و بدتر از داعش می داند.»

انکار جهاد دفاعی توسط حسن آقامیری

حسن آقامیری در ادامه تفکرات ضد اسلامی خود، در پادکست "قصاص" این مطلب را بیان می کند که: اگر کسی خواست تو را بکشد، درس قرآن این است که تو حق دفاع نداری، چراکه ممکن است در این دفاع، طرف را بکشی و قاتل شوی. وی در مغالطه ای به جریان دفاع نکردن هابیل در برابر قابیل، استناد می کند.

او با همین مبنای فکری، در سخنرانی دیگری، گروه های مقابل داعش را بدتر از خود داعش می داند و می گوید: به گروهی درست می شه به اسم داعش و روبروش هم بدتر از اونها، هیچ تفاوتی هم نداره...

کسی که حق دفاع را حرام بداند، حتما مدافعان حرم را مجاهد نمی داند بلکه قاتل و بدتر از داعش می داند.

او در سخنرانی دیگری می گوید در اسلام خشونت نداریم: در حالی که یکی از پایه های دین اسلام خشونت در برابر ظالم و متجاوز است:

در اسلام، خشونت نداریم...

علی امینیکو

در یکی از صحبتها، جناب آقای آقامیری میگوید: در اسلام خشونت نداریم! این کلام مغالطه آمیز و گمراه کننده است؟ منظور چیست که خشونت نداریم؟ بله مانم گوئیم اسلام دین خشونت است ولی آیا این حدیث پیامبر (ص) نیست که در وصف امام علی فرمودند: **فانه خشن فی ذات الله** (بحار الانوار، ج ۴۲) یعنی علی در مسائل خدایه، خشن است؟ آیا قرآن نمی گوید: **اشداء علی الکفار رحماء بینهم** (فتح، ۲۹) یعنی بر کفران سختگیر و با هم دیگر مهربانند؟

آیا در اسلام اعدام، قطع دست، سنگسار، جهاد... نداریم؟ شما در برابر ظالم خشن نیستی؟ مومن در برابر فسق، غلیظ و شدید است **جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم** (نوبه، ۷۳)

این آقا یا اسلام را نفهمیده یا این که...

اسلام دین عقلانیت است، رحمانیت دارد اما در برابر فساد و کفر، خشونت دارد.

و او در سخنرانی های خود، بارها حکم ارتداد و قصاص و جهاد را زیر سؤال برده است.

۶. زیر سؤال بردن مقدسات مذهبی، مانند جمکران

سید حسن آقامیری می گوید:

امام صادق علیه السلام فرمود: قم، فقط حضرت معصومه . امام زمان آگه بخواد جایی به کسی نظر کنه تو حرم حضرت معصومه است نه جای دیگه . مقدس تر از اینجا نداریم بعد من کجا برم چرا آدرس عوضی میدیم به مردم . یه عده میخوان تو قم یه جاهای دیگه ای هم درست بکنن ، کوه خضر و جمکران و اینها رو درست کردن. متاسفانه چه سودی هم توش داره نمیدونم که تو عصر غیبت کبری ساخته شده اصلا هیچ امام معصومی حضور نداشته، یه خواب دیده یه عالم (بعد مسجد را ساخته اند)، خیر باشه ان شاء الله ، اونوقت اینقدر اونجا رو بزرگ جلوه بدیم که طرف بیاد بره جمکران حرم حضرت معصومه نره کی اینقدر بزرگ کرده اینجا رو مسجد جمکران ی مسجدی هست مثل مسجد سر کوچتون ی فرقی با مسجد سر کوچتون داره چهار پنج تا از علماء اینجا خدمت امام زمان رسیدند . چهل پنجاه تاشون تو مسجد سهله خدمت امام زمان رسیدند هیچ کدام از مسجدها هم به شان مسجد سهله نمیرسه ، خونه امام زمان هم هست وقتی ظهور میکنه روایت داریم از خود اهل بیت ، اما در مورد جمکران یکدونه روایت از اهل بیت نداریم . پس مقدس بودنش مثل بقیه مساجد است ی فرق داره چهار تا علماء اونجا خدمت امام زمان رسیدند همین دیگه این اینهمه دکون و دستگاه درست کردن نداره چاه درست کردند اونجا نامه میدند امام زمان عریضه میگویند تو چاهی بریز که آب داشته باشه (این چاه که آب نداره) اونایی که میرن بالای منبر میگویند قمه زنی وهن دینه این آقایون نمیدونن این چاه وهن دینه ؟ مسخرمون داره میکنه دنیا ، من میگم نفهمی نمیگم عمد ، بالاخره زمینها باید پاساژ بشه باید بفروشیم مردم برن اونجا زندگی کنن قم بزرگ شده دورو بر قم هم خوبه. انشاءالله هدایت کنه اینا روی طرح حرم تا حرم گذاشتن زمین های قم را شصت برابر کرد که چی ؟ کدوم حرم به کدوم حرم ؟ میخوای بگی حرم حرم حضرت معصومه اونور چه حرمی داریم.

ولی او که جمکران را زیر سؤال می برد، در جایی دیگر هنگام زیر سؤال بردن حکم ارتداد، پیشنهاد ساخت کلیسا در قم را می دهد:



از زیر سؤال بردن جمکران تا پیشنهاد ساخت کلیسا در قم قادر و غیبتی به شهید مطهری توسط حسن آقامیری



به عده میخوان توقم به جاهای دیگر ای هم درست کنن، کوه خضرو جمکران و اینهارو درست کردن... مسجد جمکران به مسجدی هست مثل مسجد سر کوچتون، به فرقه با مسجد سر کوچتون داره: چهار پنج تا از علماء، اینجا خدمت امام زمان رسیدند... دیگه اینهمه دکون و دستگاه درست کردن نداره...



مسیحیها میتونن توقم کلیسا درست کنند. چه اشکال داره؟ اشکالش چیه؟ اعتقاد خودش رو داره. مرحوم مطهری تو کتابش نوشته که به نظر ماتودانشگاه باید کرسه بگذاریم راجع به کمونیست صحبت کنن، اعتقاد اتشون را بکن ماها هم اعتقاد تمون رو میگیریم، جوونها مشتری هر که میخوانند بشن، بشن.



۷. زیر سؤال بردن مرجعیت و تقلید

او بارها به حوزه‌های علمیه و علما حمله نموده است، ولی در صحبتی قابل تأمل می‌گوید:

«عصر غیبت، امام زمان نیست، ما حقایق خیلی از چیزها را نمیدونیم، باید چی کار کنیم؟ هر چی میدونی یقینیه، بهش عمل کن، اونجا که نمیدونی باید احتیاط کنی...»

مخالفت آقامیری با تقلید و مرجعیت



عصر غیبت، امام زمان نیست، ما حقایق خیلی از چیزها را نمیدونیم، باید چی کار کنیم؟ هر چی میدونی یقینیه، بهش عمل کن، اونجا که نمیدونی باید احتیاط کنی...

این فتوی دقیقاً همان فتوی الهیاری و جریان الیمان است که در پی سست نمودن جریان مرجعیت می‌باشد و تقلید را نفی می‌کنند؛ اثرات مخرب این تفکر چیست؟ همانند البته از کسی که دروس شش پایه طلبگی را به زور خوانده باشد و استادش در مورد ایشان بگوید "او بی سواد، و متکبر است" چیزی غیر از این توقع نمی‌رود؟ اما از ایشان سوال می‌کنیم؟ یعنی تمام علمای که رساله نوشته‌اند، اشتباه کرده‌اند و گمراه‌اند؟ جواب ایشان معلوم است:



آقا! خدا تو قیامت یقه ما رو می‌گیره میگه تو چیکاره بودی رفتمت گفته دین اینه؟ به توجه ربعله داشت آخه؟ نامه دادم بهت؟ ملکه نازل شده بود؟ چه بوده؟ مرض داشته؟ نمیگفتی، میمردی؟

آیا این حرف شما خلاف عقل و مخالفت با تمام علماء نیست؟ آیا امکان این هست که همه یا مجتهد بشر و ندویه یقین عمل کنند و یا اینکه احتیاط کنند؟ آیا خود شما یکی از این دو حالت را دارید و در تمام موارد یا اجتهاد کرده یا در احتیاط می‌کنید؟ بنا بر نظر شما دختر ۱۵ ساله که به بلوغ می‌رسد یا باید مجتهد باشد یا احتیاط کند؟ اصلاح احتیاط امکان دارد؟ احتیاط یعنی شخص فتوی تمام مراجع رو بدونه و جوری عمل کند که طبق فتوی همه عمل کرده باشد؛ این امکان دارد؟ طبق احتیاط است که شما حجاب را در جامعه سست می‌کنید؟ طبق احتیاط است که با حکم ارتداد که همه مسلمانها قبول دارند مخالفت می‌کنید؟ طبق احتیاط است که می‌گید مسیحیان بیایند در قم کلیسا درست کنند؟ و طبق احتیاط است که در کلمات تن زیر بنای حکومت دین را سست مینمایید؟ پس آیا قرآن چه می‌شود؟ **قُلُوا لَا تَقْرَؤُنَّ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ (توبه ۱۱۲)** و جوب تبلیغ دین و تقلید پس حدیث امام زمان عج چه می‌شود؟ «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم و انا حجة الله عليهم» در تعالیه اموری که پیش می‌آید به روایت حدیث مراجع کنید که آنها حجت من اند بر شما... در حقیقت شما مردم را به سمت **تقلید از خودتان** دعوت می‌کنید، آن حرفی که خطاب به بزرگان دین زدید، لایق خودتان است.



مخالفت آقامیری با تقلید و مرجعیت (۲)



عصر غیبت، امام زمان نیست، ما حقایق خیلی از چیزها رو نمیدونیم، باید چه کار کنیم؟ هر چه میدونه یقینیه، بهش عمل کن، اونجا که نمیدونه باید احتیاط کنه....

tvshia.com

فتویٰ بزرگان و مراجع که با عقل و آیات و روایات مطابق است این است که انسان یا به علم خود عمل میکند و یا تقلید میکند و یا احتیاط میکند و ما موریه حقیقت نیست بلکه ما موریه ظاهر است حتی اهل بیت ع هم ما موریه باطن نبودند.

حال جناب آقای آقامیری باین بیان، اول درجه انکار تقلید است دوم درجه تضعیف جایگاه مرجعیت.

سوم دلیل ایشان این است که عصر غیبت است و ما حقیقت انبیاء را نمیدانیم و ما ما موریه حقیقت انبیاء هستیم لذا باید کاری کنیم که به حقیقت انبیاء برسیم، و آن حقیقت با عمل به یقین و با عمل به احتیاط است.

این استدلال و نتیجه باطل و مخرب است:

۱. این حرف دقیقاً همان حرف الهیاری در نفی حکومت دینیه است و میگوید چون ما وفقهاء حقیقت امروز را نمیدانیم، تقلید درست نیست و تشکیل حکومت توسط غیر معصوم هم درست نیست چون ممکن است در حکومت اشتباه پیش بیاید، در این مساله جنبش انحرافی ایمانه هم همین مطلب را میگوید.

۲. آیات امام علمای که رساله نوشته اند دروشیعیان که تقلید میکنند، اشتباه میکنند؟

۳. آیات امام شامه مسووبات امامه دشمنان شیعه درجهت تضعیف مرجعیت و بنیان شیعیان نمیشد؟

۴. سوال اساسی این است که مگر ما ما موریه حقایق امروز هستیم؟

۵. آیا خود اهل بیت ما موریه حقایق بودند؟

۶. اگر امام حسین ما موریه حقیقت امروز بود، چرا به کوفیان که میدانست در وعده خود راست نمیگویند، جواب مثبت داد؟

۷. چرا پیامبر منافقین را که توطئه کرده بودند به سرای عملشان نرساند؟

۸. آیا احتیاط کردن برای مردم عادی امکان دارد؟ حتی در بسیاری از موارد، احتیاط امکان ندارد مثلاً جتهدی میگوید واجب است و مجتهدی میگوید حرام...

۹. آیا خود شما با احتیاط میکنید و یا به یقین عمل میکنید؟

۱۰. ما دانید این حرف اشتباه شما چه پیامدهای مخرب دارد؟ تضعیف مرجعیت، سخت کردن تکلیف مکلفین و...

۱۱. آیا تضعیف جایگاه حکومت دینیه وزیر سوال بردن حکم از تعداد در اسلام و محکوم کردن احکام اسلام که توسط شما در سخنرانیها عنوان میشود نتیجه این فکر خراب شما نیست؟ که میگویند ما از حقیقت امروز....

tvshia.com

برای اطلاعات بیشتر می توانید به این آدرس مراجعه نمایید:

ویژه نامه مقابله با فتنه سید حسن آقامیری

<http://www.tvshia.com/fa/content/47896>

